

معرفی و نقد کتاب «تاریخ فرهنگ کاشان»

الگویی برای نگارش کتب تاریخ و تحولات
آموزش نوین استان‌ها و
شهرستان‌های کشور



● رحیم روح‌بخش*

اشاره

معرفی کتاب‌هایی در زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران که مستند و قابلیت ارجاع‌دهی و پژوهشی توسط پژوهشگران حوزه تاریخ آموزش و پرورش دارد یکی از رویه‌های این فصل‌نامه می‌باشد. در این شماره به معرفی «کتاب تاریخ فرهنگ کاشان» می‌پردازیم. این کتاب بر مبنای پژوهشی است که توسط دکتر سادات بیدگلی تهیه‌شده و در این شماره هم مقاله‌ای از آن ارائه شده است. در این معرفی آقای رحیم روح‌بخش علاوه بر معرفی، به نقد و بررسی کتاب هم پرداخته‌اند. امید است مورد توجه خوانندگان محترم قرار گیرد.

این مقاله به بررسی و نقد کتاب «تاریخ فرهنگ کاشان از زمان تأسیس اداره معارف تا (۱۳۵۷) ش»، تألیف دکتر سید محمود سادات بیدگلی**، ناشر سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ نخست، (۱۳۹۵) در ۴۰۸ صفحه می‌پردازد. با این توضیح که کتاب به‌عنوان یک اثر تاریخ - محلی تلقی می‌شود؛ اما از آنجاکه تواریخ محلی همچون قطعات پازل، تشکیل‌دهنده تاریخ ملی هستند، نویسنده در این کتاب با ارائه انبوه داده‌های تاریخی به‌خصوص با ارجاعات مکرر اسنادی، به تحلیل‌هایی دست‌یافته که افق پژوهش خویش را در چشم‌انداز تاریخ ملی قرار داده است. هرچند برخی مباحث خاص کاشان که

* کارشناس اسناد شورای عالی آموزش و پرورش، پژوهشگر حوزه تاریخ تعلیم و تربیت
** دکتر سید محمود سادات بیدگلی از پژوهشگران حوزه تاریخ معاصر و کارشناس سازمان اسناد ملی می‌باشند که در سال ۱۳۹۵ کتاب «تاریخ فرهنگ کاشان» ایشان توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی منتشر شد. دکتر سادات دبیر اجرایی «فصل‌نامه تخصصی گنجینه اسناد» سازمان آرشیم ملی ایران و همچنین عضو هیأت علمی پژوهشکده امام خمینی (ره) می‌باشند.

از شرایط سیاسی - اجتماعی آن شهر نشأت گرفته، در این کتاب نیز جایگاه خویش را حفظ کرده است. در این مقاله سعی شده تا ضمن بررسی تحلیل‌های نویسنده، برخی نظرات تاریخی ایشان مورد ارزیابی و نقادی قرار گیرد.

شهر کاشان به دلیل تاریخ و فرهنگ دیرینه خویش می‌تواند به‌عنوان گنجینه‌ای از عرصه‌های پژوهشی در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تلقی شود. درباره این شهر نیز همچون سایر شهرهای قدیمی که از تاریخ و سنت و فرهنگ منسجم برخوردارند، کتب و آثار زیادی به نگارش درآمده است. امروزه صرف‌نظر از نقش این آثار کلاسیک محلی، می‌توان با بهره‌برداری از اسناد تاریخی و تاریخ شفاهی و ... عرصه‌های مغفول بیشتری را در حوزه تاریخ محلی مورد بازکاوی قرار داد.

ساختار کلی کتاب حاکی از آن است کتاب در سه بخش و ضمیمه به شرح ذیل تدوین شده است؛ با این توضیح که مؤلف ضمن توصیف وضعیت آموزش و پرورش هر دوره کاشان در هر فصل، تحلیلی بر آن اضافه کرده است.

● **بخش اول** «گذری بر تاریخ کاشان و مدارس آن» نام دارد؛ در فصل نخست آن با عنوان «نگاهی به گذشته»، ضمن اشاره‌ای کوتاه به تاریخ کاشان، اهم مدارس دینی و مراکز آموزشی آن تا شکل‌گیری نظام نوین آموزشی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم این بخش با عنوان «مدارس نوین» ضمن ارائه تحلیلی از چگونگی شکل‌گیری نظام آموزشی جدید به نقش گروه‌های اجتماعی اعم از روشنفکران، روحانیون و اقلیت‌های مذهبی پرداخته است. در ادامه این فصل تأسیس و تحولات تعداد ده مدرسه جدید به‌علاوه یک مدرسه اقلیت‌ها (مدرسه آلیانس اسرائیلیت) مورد بازکاوی قرار گرفته است.

● **بخش دوم** کتاب «تحولات آموزش و پرورش شهرستان کاشان از ابتدای تأسیس اداره معارف تا برکناری رضاشاه ۱۳۲۰ - ۱۲۹۵» نام دارد. مؤلف در این بخش طی پنج فصل: تحولات آموزشی، پرورشی، ساختاری، سیاسی - اجتماعی و بالآخره چالش‌های آموزش و پرورش کاشان را در دوره رضاشاه بررسی کرده است. بهره‌برداری از داده‌های سالنامه‌های فرهنگ و مدارس و همچنین اسنادی از آرشیو ملی ایران و به‌خصوص اسناد راکد آموزش و پرورش کاشان از ویژگی مهم این بخش است.

● **بخش سوم و پایانی** این کتاب «تحولات آموزش و پرورش شهرستان کاشان از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ش» نام دارد که مشابه بخش پیشین تحولات آموزشی، پرورشی، ساختاری، سیاسی - اجتماعی و چالش‌های آموزش و پرورش کاشان در دوره سلطنت محمدرضاشاه را تشکیل می‌دهد. مصاحبه‌های شفاهی، بهره‌برداری از اسناد برخی مراکز اسنادی نظیر مرکز اسناد ریاست جمهوری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی و همچنین نشریات و منابع محلی از امتیازهای این بخش است.

در خاتمه کتاب بیش از دویست منبع مورد استفاده در هفده گروه اعم از اسناد، سالنامه‌ها، روزنامه‌ها و ... دسته‌بندی شده است. فهرست جدول‌ها، فهرست ضمایم، فهرست عکس‌ها اعم از تصاویر رجال معارف‌پرور کاشان، مدارس، سربرگ ادارات و مدارس، نمونه امضای مقامات آموزشی، تصاویر مهرها، تصاویری از پوشش میز، نیمکت، تصاویر کارکنان و بالأخره نمایه اسامی و اماکن پایان‌بخش این کتاب را تشکیل می‌دهند.

الف) اهمیت سند پژوهی کتاب:

شاید بتوان امتیاز عمده این کتاب را به‌عنوان یک اثر پژوهشی اسنادی تلقی کرد. به نظر می‌رسد که مؤلف، صدها برگ سند را بررسی و از میان آن‌ها، اهم اسناد را گزینش و در کتاب مورد استفاده قرار داده است. این شیوه بهره‌گیری از اسناد، برخلاف برخی آثار اسنادی به‌عنوان نمونه چندین کتاب تاریخ آموزش و پرورش سایر شهرستان‌ها است که انبوهی از اسناد در قالب چندین جلد کتاب تدوین و منتشر شده است؛ کما اینکه با بهره‌برداری بهینه و مطلوب از اسناد، اطلاعات چندی به شرح ذیل آورده است که برخی از آن‌ها از خلاقیت و نگاه ابتکاری مؤلف سندشناس نشأت گرفته است:

1. بهره‌برداری بهینه از اسناد بی‌شمار آموزش و پرورش شهر کاشان و مناطق تابعه آموزش و پرورش آن.
2. بهره‌برداری از منابع و آثار محلی به‌خصوص نشریات محلی نظیر شفق کاشان و غیره.
3. استفاده مطلوب از عکس؛ تعداد ۱۱۹ عکس در کتاب مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.
4. ترسیم ۵۱ جدول متعدد جهت ارائه آمار مدارس، معلمان، دانش‌آموزان و ...
5. استفاده از ده‌ها سربرگ، مهر، آرم‌ها و حتی نمادهای مدارس و مراکز فرهنگی و تبلیغی.
6. درج ۳۴ نمونه سند مهم مربوط به آموزش و پرورش در بخش ضمیمه کتاب.
7. درج ۲۰ نمونه امضای مدیران مدارس و متصدیان آموزش و پرورش.

ب) جامعیت محتوایی کتاب:

تاکنون ده‌ها کتاب درباره تاریخ آموزش و پرورش کشور و البته تاریخ آموزش و پرورش استان‌ها و شهرستان‌ها به نگارش درآمده است، اما به‌جرات می‌توان ادعا کرد که هیچ‌یک از آن‌ها از نظر پوشش محتوایی، به اندازه این اثر از جامعیت برخوردار نیست. به نظر می‌رسد برخی مباحث نظیر نقش شرکت آمریکایی «کاره» در تغذیه رایگان، تلویزیون آموزشی

در قیل از انقلاب اسلامی و ... نخستین بار در این کتاب مطرح شده است؛ کما اینکه بررسی و ارائه اسنادی در برخی از حوزه‌های مربوط به آموزش و پرورش نظیر موارد ذیل نیز بیش از پیش بر اعتبار تاریخی کتاب افزوده است:

۱. سپاهی دانش: یکی از اصول شش‌گانه انقلاب سفید، مصوب آبان سال (۱۳۴۱)،

عنوان سپاهی دانش بود که بر اساس آن، فارغ‌التحصیلان دیپلم می‌توانستند، مدت خدمت نظام سربازی خویش را بعد از طی دوره مخصوص روش تدریس، در روستاها به آموزش کودکان بپردازند. در سال (۱۳۵۶) مدارس روستایی کاشان دارای ۵۴ مدرسه سپاه دانشی و ۶۸ مدرسه غیر سپاه دانشی بود.

۲. مدارس اقلیت‌ها: در برخی از آثار مربوط به اقلیت‌های رسمی در ایران، مطالبی

راجع به فعالیت مدارس آنان آمده است، ولی این موضوع در کتب تاریخ آموزش و پرورش به خصوص تاریخ آموزش و پرورش شهرستان‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در کاشان از میان اقلیت‌های رسمی، کلیمیان بیشترین تعداد مدارس را اختیار داشتند، کما اینکه بهاییان نیز مدارسی تأسیس کرده بودند.

۳. پیکار با بی‌سوادی: این برنامه در دوره قبل از انقلاب اسلامی و در سال‌های بعد

هم تا مدتی به منظور سوادآموزی بزرگسالان در کشور اجرا شد. بعدها نهضت سوادآموزی جایگزین آن شد.

۴. فعالیت صنفی معلمان: به‌ندرت مطالبی راجع به فعالیت صنفی معلمان در کتب

تاریخ آموزش و پرورش به چشم می‌خورد؛ در این کتاب برخی فعالیت‌های صنفی معلمان به‌ویژه در حوزه معیشتی طرح شده است.

۵. تغذیه رایگان: چنانکه گذشت، اشاره اسنادی به نقش یک شرکت آمریکایی به نام

شرکت کاره جهت اجرای برنامه تغذیه رایگان در سال‌های آخر دهه چهل، نخستین بار در این کتاب مطرح شد. البته این برنامه در دهه پنجاه در پی افزایش قیمت نفت به عهده وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت.

۶. تلویزیون آموزشی: یکی دیگر از مباحث جدید این کتاب، موضوع تلویزیون

آموزشی در کشور در سال‌های پایانی قبل از انقلاب اسلامی است که البته به دلایلی از جمله عدم دسترسی تمام مناطق کشور به برق و برخی خانواده‌ها به تلویزیون موفقیتی به دست نیاورد.

۷. مدارس مذهبی: در پی افزایش مدارس به سبک نوین که تنها به آموزش طبیعات

اعم از فیزیک، ریاضی و ... پرداخته‌اند، توجه کمی به آموزش احکام دینی داشتند، نیروهای مذهبی در بسیاری از شهرها از جمله در کاشان دست‌به‌کار شده، مدارسی تأسیس کردند که در کنار آموزش‌های رسمی آموزش و پرورش، احکام اسلام نیز تدریس می‌کردند.

البته رویکردهای نوین محتوایی این کتاب را می‌توان در برخی مباحث جدید دیگر نظیر کلاس تهیه (پیش‌دبستانی)، انجمن‌ها و شوراهای آموزش و پرورش، فرهنگ و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، نقش سازمان شیر و خورشید در آموزش، محتوای کتب درسی، تربیت‌بدنی و ... جستجو کرد.

ک (ج) تحلیل‌های تاریخی کتاب:

یکی از ویژگی‌های این کتاب، ارائه تحلیل‌هایی در خصوص تأثیر شرایط خاص سیاسی و اجتماعی کاشان بر عرصه فرهنگ آموزش و پرورش (مدارس) است. چند نمونه از این تحلیل‌ها به شرح ذیل ارائه می‌شود:

۱. در وهله نخست این تصور وجود داشت که اهالی و البته علمای شهر کاشان به‌عنوان یک شهر مذهبی و سنتی در قبال تأسیس مدارس نوین مقاومت کرده و در امور این نوع مدارس اخلاص به وجود آورند، ولی بررسی سیر تحولات مربوط به تاریخ آموزش و پرورش در این کتاب نشان می‌دهد که قاطبه علمای آنها در این خصوص واکنشی منفی نشان ندادند، بلکه حتی گاهی با تأسیس مدارس در این حوزه پیش‌قدم شدند. تحلیل مؤلف در این باره نشان می‌دهد که اولاً نزدیکی کاشان به تهران، امکان تأثیرپذیری نخبگان فکری کاشان از مرکز را بیش‌ازپیش فراهم کرد، دیگر اینکه بعد از تهران، بیشترین محصلان کاروان معرفت، دانش‌آموختگان اعزامی به خارج برای ادامه تحصیل، از کاشان انتخاب شدند. همین امر نشان می‌دهد که از اواخر دهه‌های پایانی سلسله قاجاریه به بعد، در پی بازگشت این گروه و به همت نخبگان فرهنگی کاشان، مدارس نوین رونق گرفت.

۲. از دیگر نکات تحلیلی کتاب می‌توان به بحث تأثیر اقتصاد دوگانه (تولیدی-تجاری) کاشان بر فرهنگ دوگانه (سنتی-نوین) این شهر اشاره کرد. شهر کاشان از دیرباز به‌عنوان یکی از مراکز تولید پارچه در کشور شناخته شده است؛ اما این وضعیت در اواخر قاجاریه در پی ورود پارچه‌های خارجی، دچار ورشکستگی شد. ورشکستگی تولیدکنندگان سنتی پارچه (شعربافی) در کاشان چند پیامد عمده داشت: نخست اینکه پرداخت وجوهات شرعی به علما و مدارس سنتی و حوزه‌ها کاهش یافت. دوم، عده زیادی از نوجوانان و جوانان شهر که در این کارخانه‌ها مشغول به کار بودند، بیکار شدند. نکته مهم اینکه این افراد برای گذران زندگی به زی طلبگی روی آوردند تا بتوانند با اندک شهریه دریافتی زندگی خود را تداوم بخشند؛ اما در مقابل با افزایش واردات پارچه، طبقه جدید تجار و بازرگانان در کاشان شکل گرفت که به علت ارتباط به خارج، از افکار نوگرایی برخوردار بوده و از مدارس نوین حمایت کردند. این رویکرد با پیروزی نهضت مشروطه تقویت شد. نتیجه اینکه شرایط

اقتصادی- تجاری حاکم بر کاشان تأثیر بارزی نه تنها بر فرهنگ حتی جهت‌گیری فرهنگی نیز برجای گذاشت.

۳. نکته تحلیلی دیگر، تأثیر نوسازی شهر کاشان اعم از خیابان‌کشی، تخریب برخی ابنیه داخل طرح، احداث مدارس جدید و ... بر کاهش کنترل اجتماعی برخی اقشار و گروه‌های سنت‌گرا نسبت به تحصیل دختران بود؛ به طوری که خیابان‌های جدید باعث شد دخترانی که برای رفتن به مدرسه از بازار سنتی عبور می‌کردند و مشاهده پوشش آنان بر بازاریان آزاردهنده بود، از این کنترل روزانه در امان بمانند.

۴. تحلیل آخر که خاص منطقه کاشان است، تأسیس مدرسه نوین در سال (۱۲۹۰ ش) توسط ماشالله خان کاشی، فرزند نایب حسین کاشی، معروف که نیروی جنگی دوهزار نفره وی و جنگ‌وگریزه‌هایش با دولت معروف است. هدف ماشالله خان از تأسیس مدرسه سرداریه، تربیت کارکنان موردنیاز امور جاری املاک و تشکیلات خویش بود. در این مدرسه اطفال روستاییان و نیازمندان به صورت شبانه‌روزی به تحصیل پرداختند و در برنامه‌های درسی خود علاوه بر پروگرام رسمی وزارت معارف، فنون رزمی و نظامی را هم آموزش می‌دیدند.

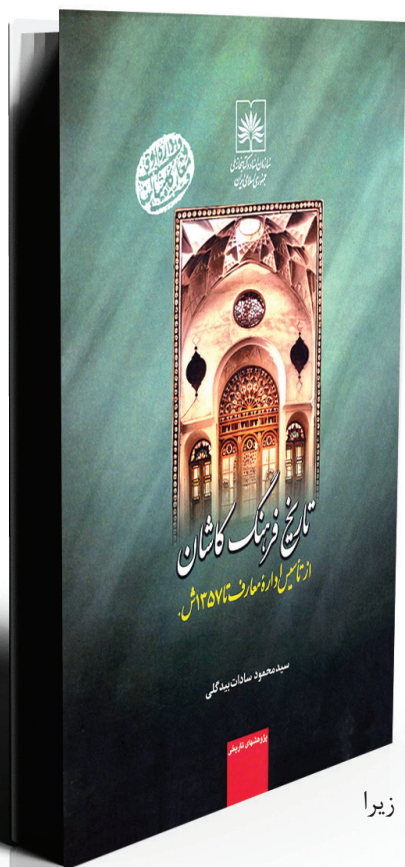
به نظر می‌رسد که علی‌رغم اینکه این کتاب یک اثر اسنادی تلقی می‌شود، ولی در لابه‌لای همین ارجاعات مکرر اسنادی، برخی تحلیل‌های کوتاه، از زمینه و بستر تحول مربوطه رمزگشایی کرده است. اشاراتی مختصر به مدارس اقلیت‌ها، رقابت مدارس مذهبی با برخی مدارس اقلیت‌ها، کاهش جمعیت دانش‌آموزی دخترانه در پی اجرای قانون کشف حجاب در سال (۱۳۱۴)، رقابت روستاهای کاشان جهت تأسیس مدارس و مواردی از این قبیل از زمره برخی دیگر از تحلیل‌های این کتاب به شمار می‌رود.

۵) نقد کتاب:

علی‌رغم اینکه کتاب به لحاظ محتوایی و شکلی مطلوب به نظر می‌رسد، گویا نظرات نویسنده در برخی موارد می‌تواند به شرح ذیل مورد چالش قرار گیرد:

۱. مؤلف در ص ۲۶ پیشگفتار با اشاره به تشکیل احزاب دولتی در دهه چهل و پنجاه، مدعی است که این امر منجر به گرایش معلمان و دانش‌آموزان به طرف نیروهای مذهبی شد. به نظر می‌رسد، از آنجاکه احزاب دولتی جایگاهی در لایه‌های میانی و پایین جامعه نداشتند، نمی‌توانستند واکنش‌های عمومی ایجاد کنند؛ به گونه‌ای که در تقابل با آن‌ها معلمان و دانش‌آموزان به نیروهای مذهبی گرایش یابند.

۲. نویسنده در ص ۴۸ کتاب به نقش مبارزان تبعیدی مذهبی به کاشان جهت تبلیغ آزادی‌خواهی اشاره و تأکید کرده که «ایجاد مدارس نوین را بایستی از ثمرات این افکار دانست». منابع تاریخی به خصوص در حوزه نیروهای مذهبی نشان می‌دهد که



در کاشان تبعیدی‌های محدودی نظیر آیت‌الله‌زاده خالصی - تبعیدی از عراق - به سر می‌بردند. بعید به نظر می‌رسد که تبعیدی‌های سایر ادوار نیز تأثیر تعیین‌کننده‌ای در این خصوص داشته باشند.

۳. دکتر سادات در ص ۶۰ کتاب خویش، با اشاره به اینکه معمولاً در مکتب‌خانه‌ها بیشتر تدریس ادبیات فارسی رایج بود، آن‌ها را در مقابل حوزه که معمولاً متون عربی تدریس می‌شد، قرار داده است. هرچند ایشان اضافه کرده که در مکتب‌خانه‌ها احکام دینی و قرائت قرآن نیز آموزش داده می‌شد، ولی اصولاً نگاه تقابلی بین مکتب‌خانه و حوزه‌ها چندان نمی‌تواند قابل قبول تلقی شود. ماهیت و محتوای آموزشی این دو نهاد را می‌توان در راستای هم تلقی کرد.

۴. نویسنده در ص ۲۷۱ کتاب به مناسبتی به صدور رأی دیوان لاهه علیه ایران در جریان ملی شدن صنعت نفت اشاره و خاطرنشان کرده که در کاشان انجمن تبلیغات اسلامی که برخی فرهنگیان آن را اداره می‌کردند، به این رأی واکنش نشان دادند. به نظر می‌رسد که اعتراض انجمن مذکور به رأی دیوان لاهه مربوط به موضوع دیگری بوده یا اصولاً به سیاست‌های استعماری انگلستان عکس‌العمل نشان داده‌اند زیرا دیوان لاهه رایی علیه ایران در این دوره صادر نکرده است.

۵. همچنین در ص ۱۶۱ آمده است که آیین‌نامه دبستان در جلسه ۴۸۰ شورای عالی فرهنگ تصویب شده که جلسه ۴۰۸ صحیح است و به‌طور احتمالی اشتباه تایپی است.

حاصل سخن اینکه این کتاب علی‌رغم برخی موارد مذکور، در حوزه تاریخ آموزش و پرورش شهرستان‌ها می‌تواند از ابعاد مختلف قابل بررسی و بهره‌برداری باشد. در مقایسه با سایر کتب این حوزه، شاید بتوان آن را به‌عنوان الگویی - از نظر شکلی و ساختاری - برای نگارش کتب تاریخ آموزش و پرورش استان‌ها و شهرستان‌ها تلقی کرد. برخی اطلاعات و حتی تحلیل‌های کتاب را می‌توان حتی در عرصه تاریخ ملی نیز مورد بهره‌برداری قرار داد. مهم‌تر اینکه نویسنده با عنایت به تسلط به حوزه مطالعات اسنادی، از یک‌سو و اشراف به تاریخ کاشان از سوی دیگر، به‌خوبی از عهده بهره‌برداری کارشناسانه از صدها بلکه هزاران برگ سند جهت تألیف کتاب تاریخی - تحلیلی خویش برآمده است.